

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۱.۰۵.۱۰

خشونت و تبلیغات بی سابقه پولیس سویدن علیه تظاهرکنندگان

روز پنج شنبه ۲۳ اردیبهشت [ثور] ۱۳۸۹-۱۳ می ۲۰۱۰، هم زمان با اعتصاب عمومی در کردستان به فراخوان کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، تظاهراتی به فراخوان شورای حمایت از مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران و با حمایت و پشتیبانی نیروهای چپ و آزادی خواه در مقابل سفارت حکومت اسلامی ایران در استکهلم برگزار شد. در این تظاهرات، صدها تن از ایرانیان مبارز استکهلم با دوستان سویدنی، ترکیه‌ئی و... خود حضور داشتند. اعتصاب شکوهمند کردستان، جان تازه‌ای به جنبش سراسری آزادی خواهی مردم ایران علیه حکومت اسلامی دمید و سران و ارگان‌های سرکوب و آدم کش حکومت اسلامی را بیش از پیش دچار بهت زدگی و سردرگمی سیاسی کرد.

سفارت حکومت اسلامی ایران، در جزیره‌ای در حومه استکهلم قرار دارد. هر کسی که بعد از ظهر روز پنج شنبه به نزدیکی خیابان منتهی به سفارت حکومت اسلامی می‌رسید، بلافاصله توجهش به پرواز مداوم دو فروند هلیکوپتر پولیس در بالای سر تظاهرکنندگان آن هم با آن سروصدای گوشخراش شان جلب می‌شد. در وهله دوم بر سر خیابانی که به سفارت منتهی می‌شد جلب توجه می‌کرد ماشین‌های آتشنشانی و آمبولانس‌های پولیس بود. به محض ورود به این خیابانی که سفارت در اواسط آن قرار دارد در هر دو طرف خیابان، ماشین‌های پولیس پارک شده بودند؛ حدود دویست متر به محل تجمع مانده پولیس جلو مردم را می‌گرفت و پس از جر و بحث و معطلی راه را باز می‌کرد آن‌ها خود را به محل تجمع برسانند. سیاست پولیس، پراکنده نگاه داشتن جمعیت بود که کنترل شان سهل‌تر بود. در حالی که برگزارکنندگان از قبل اجازه پولیس گرفته بودند و این کار پولیس کاملاً غیرقانونی بود.

حدود پنجاه متر به سفارت مانده پولیس‌هایی که اسپره فلفل در مشت خود داشتند شانه به شانه هم در مقابل تظاهرکنندگان ایستاده بودند. ردیف بعدی پولیس‌هایی که با سگ ایستاده بودند. این سگ‌ها با پارس کردن، همواره برای حمله به جمعیت بیکراری می‌کردند. ردیف سوم پولیس‌هایی بودند که با سپر ایستاده بودند. ردیف آخری پولیس‌های سوار بر اسب ایستاده بودند. علاوه بر این‌ها ده‌ها پولیس مخفی، حتا بر بالای درخت‌ها رفته بودند و

فیلمبرداری می کردند. یکی از مشخصه های آشنای پولیس های شخصی، کوله پشتی های شان است که باتوم و اسلحه و گاز اشک آور و غیره در داخل آن قرار می دهند و عموماً کلاه بر سر دارند. آن ها داخل جمعیت می چرخند و هر فرد «مظنون» را به پولیس نشان می دهند تا او را زیر نظر بگیرند و در فرصت مناسب دستگیر کنند. علاوه بر این ها، پولیس هائی که لباس کارگر به تن داشتند و در گروه های سه تا پنج نفری اطراف تظاهرکنندگان ایستاده بودند. نمونه ای دیده شد که یک نفر را همین پولیس هائی که لباس کارگری به تن داشتند بر روی زمین انداختند و به او دستبند زدند و با خود بردند. این صحنه ها را در تصاویری و فیلمی که ضمیمه همین مطلب است، مشاهده می کنید.





روشن بود که پولیس از قبل از سوی مقامات و مسؤولین دولتی خود ماموریت داشت تظاهرات را سرکوب کند به همین دلیل وسیعاً نیروهای خود را به این جا آورده بود و ربطی به این که گفته می شود قبل از آغاز تظاهرات چند نفری به سوی سفارت سنگ پرتاب کرده بودند، ندارد و من هم شخصاً چنین صحنه ای را ندیدم. حتا اگر هم واقعیت داشته باشد و مردم خشمگین سنگی هم به سوی مرکز جاسوسی و ترور حکومت اسلامی در اعتراض به اعدام ها پرتاب کرده باشند و یا حتا اگر هم بتوانند سفارت را به طور سمبلیک و کوتاه هم شده به اشغال خود دریاورند حق طبیعی شان است. حکومتی که سی و یک سال آدم می کشد و کوچک ترین حق و حقوق انسانی را به رسمیت نمی شناسد مسلم است که با خواهش و تمنا دست از جنایات خود و حاکمیت اش بر نمی دارد. تنها با قدرت و همبستگی و مبارزه پیگیر مردمی و هم چنین جلب حمایت و پشتیبانی مردم آزادی خواه جهان از این مبارزات، می توان این حکومت تبه کار و مافیائی را پائین کشید و جامعه را از سرکوب و ستم و ترور و کشتار آن رها کرد.

من که از سوی برگزارکنندگان یکی از مسؤولین چرخاندن تظاهرات را به عهده داشتم بر روی بلندی بودم که مشرف به جمعیت و پولیس ها بود بارها حرکت و جا به جایی بی جهت پولیس ها را می دیدم که در گوشی با هم صحبت می کنند و وانمود می کردند که قصد حمله به تظاهرکنندگان را دارند. من با دیدن این صحنه ها با دادن شعار «پولیس از تروریست ها حمایت نکنید»، از مردم خواهش می کردم که روی زمین بنشینند و دست های

همدیگر را بگیرند تا پولیس به درون مردم هجوم نیاورد. شخصاً حدود ده نفر را دیدم که پولیس ها بی جهت بر چشمان آن ها اسپره فلفل پاشیدند و با خود بردند. اما تعداد کسانی که آسیب دیدند بسیار زاید بود. از جمله من در پشت بلندگویی خانمی را نشان دادم که پولیس با مشت بر چانه اش کوبیده بود و ورم کرده بود. تظاهرکنندگانی که غیر از تکرار شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زندان های سیاسی ویران باید گردد»، «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «شیرین، کمانگر، راحت ادامه دارد»، خطاب به سفارت: «این لانه ترور جاسوسی تعطیل باید گردد»، «جمهوری اسلامی مرگت فرارسیده»، «به سانسور، ترور شکنجه و اعدام پایان دهید» و... هیچ ابزار دیگری نداشتند. در چنین شرایطی، ما بارها چه از طریق بلندگو و چه با صحبت با فرمانده پولیس، از آن ها خواستیم که دستگیرشدگان را آزاد کند و خشونت به خرج ندهد.

حقیقتاً برای هر ناظر بی طرف و بیرونی این سؤال مطرح می شد که تجمع این همه پولیس تا دندان مسلح در اطراف مرکز جاسوسی و تروریستی اسلامی، آیا برای دستگیری تروریست های حکومت آدم کش اسلامی و تعطیلی این مرکز است یا سرکوب مخالفین این حکومت تبه کار که در دفاع از حرمت و موجودیت انسانی که توسط حکومت اسلامی زیر پا گذاشته شده است دست به اعتراض زده اند؟!

پولیس برخی دستگیرشدگان را در جنگل های اطراف رها می کرد و به آن ها توصیه می کرد که به تظاهرات نپیوندند. برخی را به بازداشتگاه بردند که ما بعد از تظاهرات به اداره پولیس رفتیم و گفتیم تا دوستان ما آزاد نشوند ایستگاه پولیس را ترک نخواهیم کرد. دو نفر وکیل نیز شماره تلفن خود را دادند که وکالت بازداشت شدگان را می پذیرند. حدود سی و چهار نفری بودیم که تا آزادی دستگیرشدگان در ساعت ۱۲.۳۰ شب در ایستگاه پولیس ماندیم. در ضمن همان شب، چند نفری از آسیب دیدگان، علیه پولیس شکایت رسمی به عمل آوردند.

خشونت و اقدام پولیس علیه تظاهرکنندگان به مقابل سفارت محدود نماند، بلکه اخبار و عکس هایی که سخنگویان پولیس سویدن به رسانه ها دادند و متأسفانه آن ها هم خبر و عکس ارسالی پولیس را انتشار دادند. برای مثال در یکی از روزنامه پرتیراژ سویدنی به نام «مترو» که به خصوص در مترو های به طور مجانی توزیع می شود خبر کوتاهی با این مضموم آمده بود: «تظاهرکنندگان حدود هفتاد نفر بودند که با سنگ و کوکتل مولوتف قصد حمله به سفارت را داشتند که پولیس جلو آن ها را گرفت. عکسی هم که در کنار این خبر چاپ شده است کله چند پولیس و حدود ده نفر نفر تظاهرکننده که در کنار آن ها و در خارج از جمعیت یک نفر پرچم پ.ک.ک را در دست گرفته است. این خبر نیازی به تفسیر ندارد و آشکارا نشان دهنده این است که پولیس می خواهد حرکت اعتراضی ایرانیان آزاده را به اعمال تروریستی نسبت دهد و شاهدش هم پرچم پ.ک.ک است که این سازمان از سوی اتحادیه اروپا در لیست گروه های تروریستی قرار داده شده است. در حالی که در این تظاهرات بیش از ۵۰۰ نفر شرکت کرده بودند و صدها پرچم سرخ و غیره نیز در آن برافراشته شده بود اما در این عکس نه انبوه جمعیت و باندرول های آن ها و تصاویر پنج زندانی سیاسی اعدام شده و نه نمایش قدرت پولیس با هلیکوپتر و سگ و اسب و غیره نشان داده نشده است. مهم تر از همه در این خبر دو سطری هیچ اشاره ای به این مسأله نشده که تظاهرکنندگان به چه دلیل در مقابل سفارت حکومت اسلامی دست به تجمع اعتراضی زده اند؟

سؤال اساسی این است که چرا پولیس سویدن، این همه نیروی خود را برای حفاظت از مرکز ترور حکومت اسلامی بسیج کرده بود؟ آیا واقعاً نیازی به چنین نمایش قدرت پولیسی و با اختصاص بودجه سنگین بود؟ من با طرح این سؤالات، در سخنرانی ام در روز جمعه ۱۴ می ۲۰۱۰، یعنی روز دوم تظاهرات در مقابل این مرکز ترور و جاسوسی و هم در یک گفتگوی رادیویی (رادیو پیوند)، چنین جواب دادم:

تحلیل من در جواب به این سؤالات این است که اگر یادمان باشد در یکی از تظاهرات های سال گذشته در همین جا، تظاهرکنندگان با عکس های ندا و با شعارهای سرنگون باد حکومت اسلامی موفق شدند وارد سفارت ایران شوند که مامورین و کارمندان داخل سفارت به تظاهرکنندگان با باتوم و دست کم با دو قبضه کلت حمله کردند. بعداً معلوم شد یکی از آن ها جنگی نبود و فقط گلوله هائی با هدف ترساندن شلیک می شد و در عین حال گلوله به فردی که اصابت می کرد کمی هم شوک وارد می ساخت. یکی از این کلت ها را چند نفر از تظاهرکنندگان از دست مامور سفارت بیرون آوردند که روز بعد آن را به من دادند و من هم پس از این که آن را به یکی از رسانه سراسری سوئدین بردم و پس از گرفتن عکس و گزارش به پولیس امنیتی تحویل دادم. قرار شد این مسأله پیگیری شود که مثلاً آیا مامورین سفارت حق حمل و نگهداری اسلحه در داخل سفارت و کشیدن آن به روی تظاهرکنندگان را دارند یا نه؟ اما این ماجرا تاکنون راکد مانده است. پس از این واقعه، حکومت اسلامی شدیداً به دولت سوئدین اعتراض کرد. بنابراین، این بار پولیس خشونت بی سابقه ای را با بسیج همه نیروهایش در اطراف سفارت حکومت اسلامی به نمایش گذاشت در واقع تلاش کرد به دیپلمات - تروریست های حکومت اسلامی نشان دهد که حافظ منافع آن هاست و دولت شان نیز کاری به جنایات بی شمار حکومت اسلامی علیه بشریت ندارد! البته قانوناً و قاعدتاً پولیس دستورات مقامات و مسؤولین دولتی را اجرا می کند.

مهم تر از این، همان طور که در بالا نیز اشاره کردم و شما خبر و عکس این روزنامه را که در دست من است می بینید در رابطه با تظاهرات دیروز است. بنابراین به نظر می رسد که مثلاً توسط تروریست - دیپلمات های ها حکومت تبه کار و آدم کش اسلامی، دولت سوئدین و پولیس سوئدین علیه مخالفین حکومت اسلامی به وجود آورده اند. عملاً این را پولیس هم با نمایش قدرت و ضرب شست تظاهرکنندگان و هم انعکاس خبر غیرواقعی در رسانه ها، در تلاش است افکار عمومی مردم سوئدین را از انبوه جنایات حکومت اسلامی علیه بشریت، به ویژه اعدام پنج زندانی سیاسی، منحرف سازد تا معاملات و بده و بستان ها دولت سوئدین و حکومت اسلامی، گسترش بیشتری پیدا کند.

هنگامی که می شنویم به زودی قرار است هیأتی از مقامات و مسؤولین حکومت اسلامی وارد سوئدین شوند ابعاد اهداف و سیاست های اخیر پولیس و دولت سوئدین علیه مخالفان حکومت اسلامی، بیشتر عیان می شود. این مسأله را به زودی در مطلب جداگانه ای به اطلاع خوانندگان این مطلب خواهم رساند. و اقدامات لازم را نیز به مرحله اجراء خواهیم گذاشت. به این اساس دولت سوئدین، با این اقدام اخیر پولیس خود و نحوه تبلیغات در روزنامه ها، زمینه را برای استقبال از هیأت حکومت آدم کش اسلامی و بستن قراردادهای کلان اقتصادی و غیره فراهم می سازد. اکنون سوئدین، تنها کشوری در میان کشورهای اروپائی است که به بهانه «دیالوگ انتقادی» این سیاست ورشکسته را در روابط و مناسبات نزدیک خود با سران جانی و آدم کش حکومت اسلامی پیش می برد توجیهی برای چشم بستن به جنایات حکومت اسلامی، بیش نیست. قبلاً پرچم دار این سیاست دولت المان بود که سال هاست کنار گذاشته است و اکنون دولت سوئدین آن را در پیش گرفته است. اکنون بیش ترین رفت و آمدهای مقامات حکومت اسلامی و ارتباطات و معاملات آن ها به اروپا و شرکت های اروپائی از طریق سوئدین صورت می گیرد.

بدین ترتیب، پولیس و دولت سوئدین با این اقدام خشونت آمیز خود نه تنها علیه تظاهرکنندگان، بلکه با کشاندن خبر نادرست به رسانه ها و قلم گرفتن اعدام پنج زندانی سیاسی، علیه اکثریت هشتاد هزار ایرانی مقیم سوئدین و هم چنین مردم آزادی خواه سوئدین، توهین بزرگی کرده است. در چنین موقعیتی همه جریانات و انسان های آزادی خواهی که در کشور سوئدین زندگی می کنند وظیفه سیاسی و اجتماعی دارند در دفاع از حرمت انسان ها و مبارزه به حق آن

ها از هر امکان در دسترس خود استفاده کنند تا دولت و پولیس سویدن را به معذرت خواهی و تصحیح خبرشان در رسانه و هم چنین محکوم کردن جنایات حکومت اسلامی و ادار سازند.

در احزاب سویدنی ایرانیانی هم صاحب پست و مقام هستند که با حکومت اسلامی دادوستد دارند. اما بیش تر ایرانیانی که عضو احزاب سویدنی به ویژه چپ و سوسیال دمکرات و محیط زیست و... هستند مخالف حکومت اسلامی می باشند و از مبارزه به حق و آزادی های مردم ایران دفاع می کنند. برای مثال، آمینه کاکاباوه، از نمایندگان حزب چپ در پارلمان سویدن، به ویژه در یک سال گذشته هم در تظاهرات ها با سخنرانی های خود، جنایات حکومت اسلامی را محکوم کرده است و هم در پارلمان سویدن، با طرح سؤال هایی از کارل بیلد، وزیر امور خارجه سویدن و دولت درباره همکاری هایشان با حکومت اسلامی و محکوم نکردن جنایات حکومت اسلامی طرح کرده است.

بدین ترتیب دولت سویدن، قبل از این که از حقوق انسان ها و مثلاً جنایات حکومت اسلامی را در نقض حقوق بشر محکوم کند به عکس، تنها به فکر منافع اقتصادی خویش و روابط و مناسباتش با حکومت تروریستی و آدم کش حکومت اسلامی است. بنابراین، دفاع این دولت از حقوق بشر تزویر و ریاکاری بیش نیست. هم چنین پولیس در همه نقاط جهان، حافظ منافع حاکمیت و بازوی سرکوب آن است.

قطعاً شورا که تظاهرات های دیروز و امروز را فراخوان داده است می تواند در تحت فشار قرار دادن دولت سویدن و محکوم کردن خشونت پولیس این کشور، فعالیت های متنوعی را به کار گیرد. به امید روزی که حکومت اسلامی با قدرت و اتحاد و همبستگی کارگران، زنان، دانش جویان، روشنفکران و هنرمندان و همه مردم آزاده سرنگون شود تا در فضای آزادتر و بازتر سیاسی، به جهل و جنایت و شکنجه و اعدام خاتمه داده شود و مردم بتوانند بدون کم ترین ملاحظه و ترسی از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی خود و هم چنین آزادی بیان شان برخوردار گردند. با تشکر از همه شما که به سخنان من توجه کردید.

اجازه بدهید در این نوشته، به مسأله دیگری اشاره کنم که قبلاً در بطن مطلب دیگری آن را نوشته بودم و آن هم علنی شدن یک شرکت ایرانی که برای حکومت اسلامی پولشویی می کرد و پول های میلیارد دلاری که از سوی ایران به حساب این شرکت واریز می شد به خرید سلاح و دیگر نیازهای مخفی حکومت اسلامی به ویژه در فعالیت های اتمی که در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا معامله می شد حساب و کتابش توسط این شرکت بود.

یک بازرگان ایرانی مقیم شهر امئو، متهم به کمک به صادرات قطعات ممنوع به حکومت اسلامی ایران شد. اخیراً در تیتز اول خبری بزرگ-ترین روزنامه -های سویدن آمد که یک بازرگان ایرانی ۵۷ ساله مقیم شهر امئو در شمال سویدن، از سوی مقامات مالیاتی و قضائی این کشور، متهم به ارتکاب جرایم سنگین اقتصادی و حساب رسی شده است.

از دیگر اتهامات جدی وارده به این شخص، کمک به ارسال قطعات ممنوع به ایران و از جمله قطعات تکنیکی مورد نیاز برای برنامه اتمی حکومت اسلامی است. به گفته مقامات سویدنی، در طی دو سال اخیر رقم شگفت انگیز ۵ میلیارد کرون از ایران به حساب های بانکی این بازرگان در سویدن ارسال و بعداً به مقصدهای گوناگون در جهان منتقل شده و از جمله در رابطه با ارسال قطعات تکنیکی ممنوع به ایران مورد استفاده قرار گرفته است. اراقمی که وارد حساب بانکی شرکت متعلق به این بازرگان ایرانی شده به کلی از دید مقامات مالیاتی سویدن پنهان نگاه داشته شده است.

در اوایل ماه فوریه ۲۰۱۰، مامورین اداره کل مبارزه با جرایم اقتصادی در سویدن (برتز میندیگهتن) با حکم دادستانی منزل این بازرگان ایرانی در امئو را مورد تفتیش قرار دادند. این اداره سویدنی، تنها در رابطه با جرایم اقتصادی کلان در سطح ملی و بین امللی فعالیت می کند.

براساس اطلاعات موجود در اظهارنامه مالیاتی این بازرگان ایرانی، درآمد شرکت وی در سال ۲۰۰۸ معادل ۵۶۸ هزار کرون سویدن بوده و حقوق وی نیز ۱۴۲ هزار کرون به مقامات مالیاتی اعلام شده است. در حالی که تحقیقات اداره کل مبارزه با جرایم اقتصادی سویدن نشان می دهد که مبالغ واریز شده به حساب بانکی شرکت وی، در «سویدن بانک» هزاران برابر بیش تر از ارقامی است که به اداره مالیات تسلیم شده است.

اطلاعات حساب بانکی شرکت این شخص، در «سویدن بانک» حکایت از گردش پول به ارزش شگفت انگیز ۱۰/۱ میلیارد کرون، حدود یک و نیم میلیارد دلار دارد. اداره مالیات تخمین زده است که این بازرگان ایرانی، از پرداخت حداقل ۷۳ میلیون کرون حدود ۱۱ میلیون دلار مالیات و دیگر عوارض دولتی به خزانه دولت سویدن، شانه خالی کرده است. ارقامی که می تواند این بارزگان ۵۷ ساله ایرانی را در زمره بزرگ ترین متخلفین مالیاتی کشور سویدن قرار دهد.

ابعاد کلان و نجومی این پرونده نظر پولیس امنیتی سویدن (سپو) را نیز به خود جلب کرده است. این بازرگان ایرانی، از سوی پولیس امنیتی سویدن، متهم به داد و ستد غیرقانونی با ایران و شکستن تحریم های اقتصادی اعمال شده از سوی سازمان ملل متحد به ایران و از جمله کمک به فروش قطعات مورد نیاز برنامه اتمی ایران به این کشور شده است.

اکنون هیچ کس خبر ندارد که این پرونده به کجا ختم شده است؟ همواره یکی از شگردهای دولت سویدن این است که مشکلات خود با حکومت اسلامی، حتا در عرصه جاسوسی و تروریستی را آرام و به دور از آگاهی افکار عمومی پیش ببرد تا منافع اقتصادی و سیاسی اش با حکومت اسلامی خدشه دار نشود.

در چنین شرایطی، ما و دوستان آزادی خواه سویدنی مان وظیفه داریم دولت سویدن را وادار کنیم تا از حقوق انسان ها در همه نقاط جهان و به ویژه ایران دفاع کند و حقوق بشر را قربانی منافع اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک خود نکند.

یک هفته پس از به دار آویختن شیرین علم هولی، فرزاد کمانگر، مهدی اسلامیان، علی حیدریان و فرهاد وکیلی در سحرگاه یک شنبه نوزدهم اردیبهشت ۱۳۸۹، آدم کشان حکومت اسلامی، در حالی که با نفرت و اعتراض عمومی مردم آزاده ایران در داخل و خارج کشور، به ویژه اعتصاب موفق در کردستان روبرو شدند، بار دیگر اعلام کرده اند که اعدام شش زندانی سیاسی دیگر قطعی است.

روز شنبه بیست و پنجم اردیبهشت ماه، دولت آبادی دادستان دادگاه آدم کش، برای نخستین بار در حاکمیت اسلامی، و در رقابت با جناح دیگر حکومت شان، به کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ اعتراف می کند و از موسوی می پرسد که چرا اعدام های هشت سال نخست وزیری خود را محکوم نمی کند! روشن است که رقابت جناح های درون حکومت، عمدتاً بر سر تقسیم قدرت و حاکمیت و بقای آن است در حالی که مبارزه اکثریت مردم ایران، علیه کلیت حکومت اسلامی و در جهت سرنوشتی آن است.

از سوی دیگر، مادران و خواهران پنج زندانی سیاسی جان باخته در اعتراض به عدم تحویل پیکر عزیزان شان از سوی دستگاه قتل و جنایت اسلامی، روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه، دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

با توجه به عملی نشدن وعده های مکرر کارگزاران حکومتی، خانواده های آنان روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه اعلام داشتند از ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه، مقابل استانداری کردستان واقع در شهر سنندج برای تحویل گرفتن پیکر عزیزان خود دست به تحصن خواهند زد. روشن است که هم زمان با این اقدام خانواده های جان باختگان در نقاط دیگر ایران و هم چنین در خارج کشور، تظاهرات هائی برپا شود. شکی نیست که در چنین شرایطی، سران جانی حکومت راهی جز تشدید سرکوب اعتراضات مردم و شکنجه و اعدام و تهدید و توهین به زنان و دختران در خیابان ها، راه دیگری در مقابل خود نمی بینند. در چنین موقعیت حساسی از جامعه مان، ما مخالفین حکومت اسلامی و مبارزان راه آزادی وظیفه آگاهانه و داوطلبانه داریم که در اعتراضات و گفته ها و نوشته هایمان، همواره بر همبستگی و اتحاد مبارزاتی نیروهای آزادی خواه و مدافع جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جوئی و آزادی بیان و قلم و تشکل و هم چنین از جمله به آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو هرگونه شکنجه جسمی و روحی و اعدام و سرنگونی کلیت حکومت اسلامی با هدف برپائی جامعه ای آزاد و برابر و انسانی تأکید کنیم.